



萌番

原著：青青的悠然
脚本：咕噜
主笔：喵珂垃
描线：烟丝
上色：呆白
责任编辑：都督

改编自阅文集团同名小说《宦妃天下》

من جایگاہم رو توی
اقامتگاہ میدونم و روزهایی بوده
که زیر پای بقیہ له شدم.





اینو میدونم که حتی
اگه ازدواج کنم هم باز
همین مشکلاتو دارم.

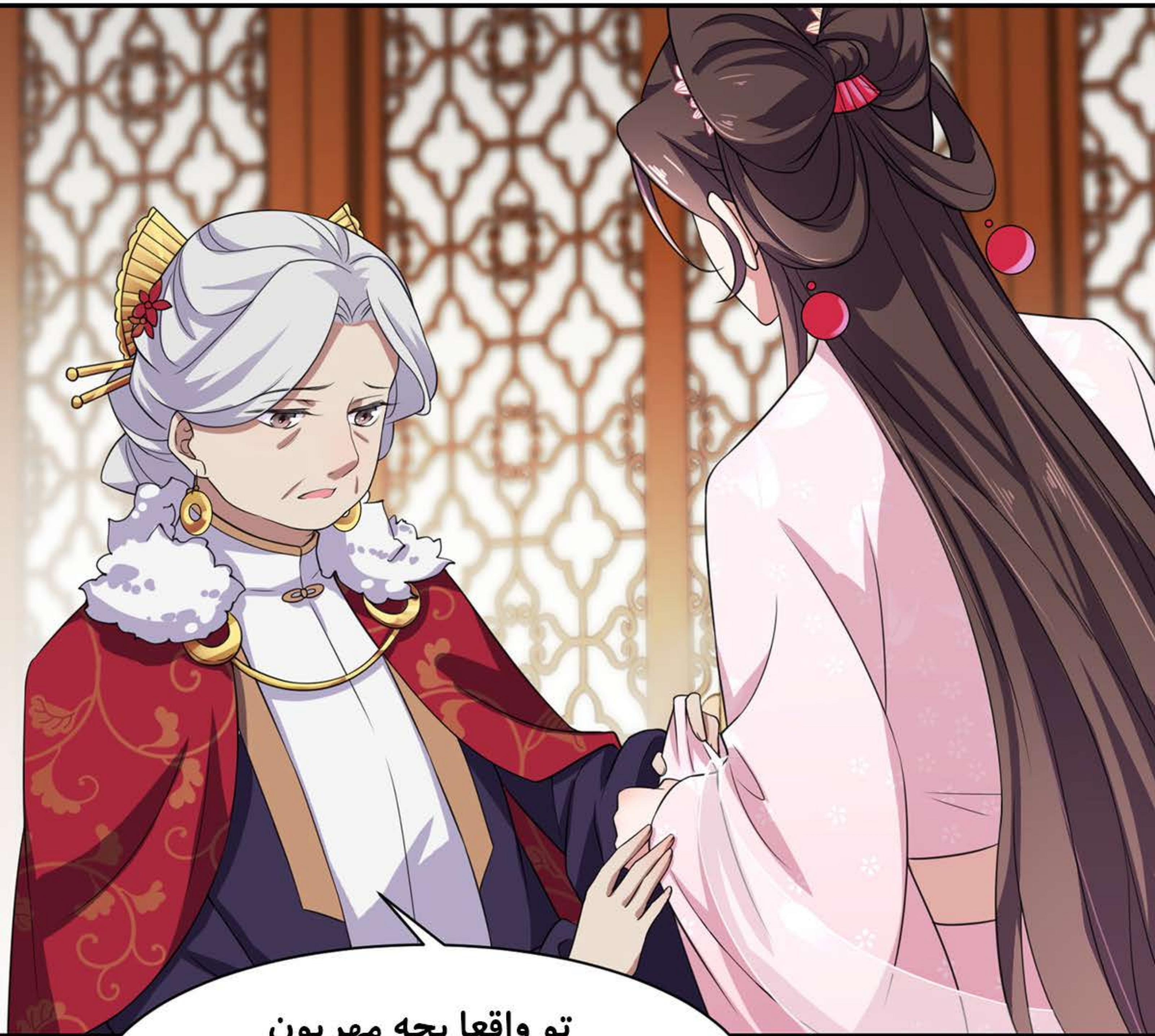
چرا الکی به خودم زحمت بدم و
خودمو تحقیر کنم و بقیه زندگیم
رو توی باتلاق بندازم؟



من فقط به پدر و مادر بزرگ
به خاطر اینکه همگی نام خانوادگی
شیلیانگ رو داریم التماس می کنم
که لطفا اجازه بدن من به ازدواج
معمولی داشته باشم.



من دنبال اینکه سریع مقام رو بالا ببرم
نیستم، بلکه دنبال ازدواجیم که با رضایت
قلبی، صلح آمیز و شاد باشه.



تو واقعا بچه مهر بون
و صادقی هستی. این چند سال
گذشته خیلی سختی کشیدی.

نگران نباش، مادر بزرگ
برات یه ازدواج خوب پیدا
می کنه...

گمشو! بذار برم تو!!

شیلیانگ هو،
تو روباه عشوه گر

برات کافی نبود که پسر خالم
رو اتوا کنی؟ تو شلهزاده رو هم اتوا
کردی. من اون صورتت رو پاره پاره
می کنم...

دان-ار، داری چیکار می کنی؟
چیزیم از رفتارت به عنوان یه بانوی
اشراف زاده باقی مونده؟!



چطور قراره توی قصر ازدواج کنی
وقتی مثل سلیطه ها رفتار میکنی؟

م: بالاخره باباه، یه حرف آدمیزادی زد



پدر، به خاطر اون هرزه
منو سرزنش می کنی؟

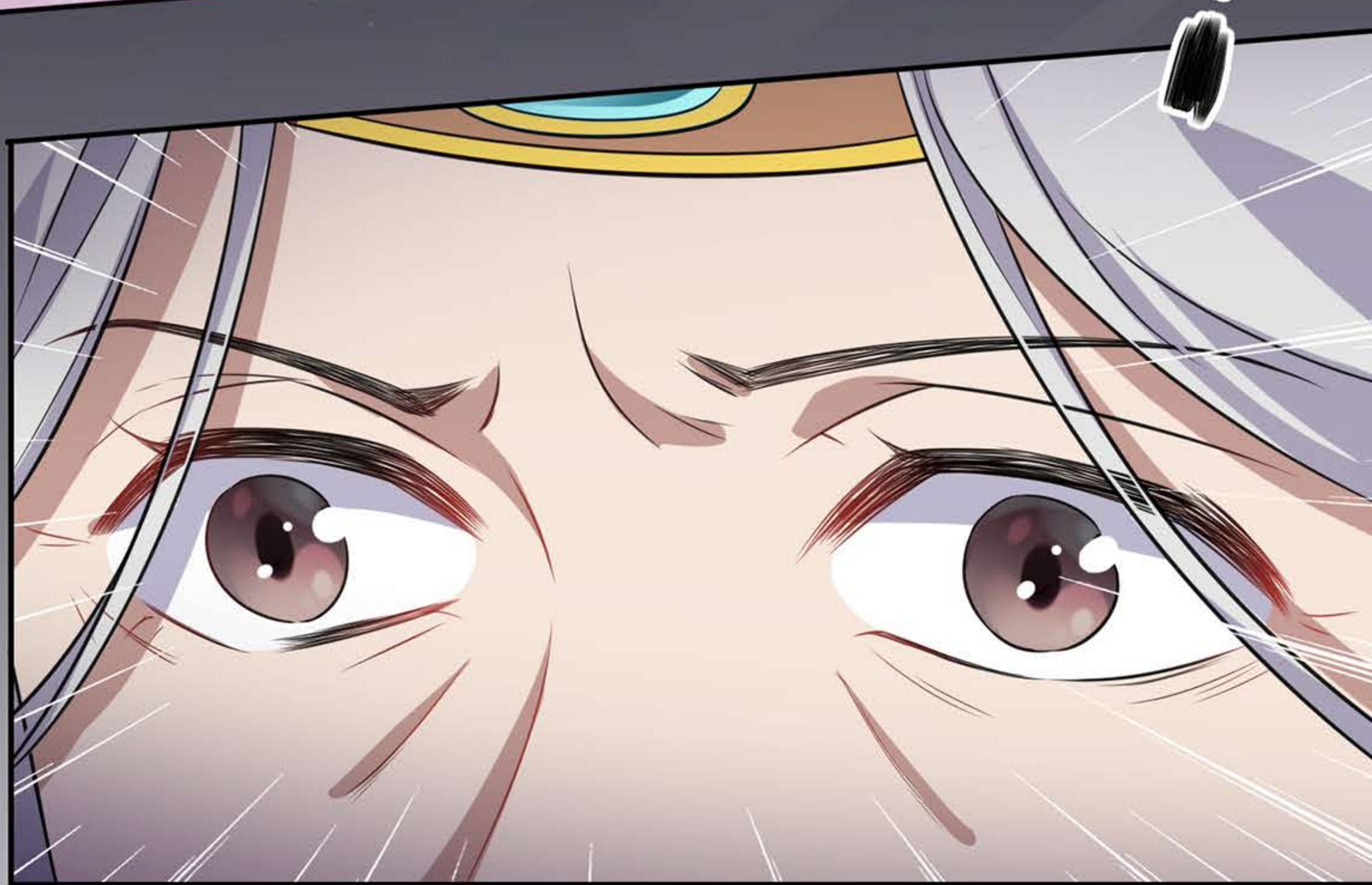
اگه من نمی تونم
توی قصر ازدواج کنم پس
این هرزه لایقشه؟



اون حتی لیاقت
نگه داشتن کفشای
منم نداره!



مادربزرگ،
مراقب باشین!



مو-ار!



من خوبم... بیخشید
که ترسوندمتون.



من سرکش و ناسپاس
بودم، و باعث شدم خواهر
براش سوتفاهم ایجاد بشه.
منو ببخشین

این... چیکار باید کنیم؟

تو بچه احمق، چرا خودتو
جلو انداختی...



چه ضربه شلاق
خوبی بود.

من در اصل فکر می کردم که
لازمه زمان پیشتری رو صرف کنم تا بتونم
مامان بزرگ رو پیارم طرف خودم. شیلیانگ
دان، اون احمق ناخواسته نردپونی شد که
ارزش بالا رفتم.

بچه سرکش هیچ
احترامی برای بزرگترت
قائل نیستی!

بانوی جوان چهارم رو
دستگیر کنین و میبورش
کنین تو سالن زانو بزنه!

این دختر حتی امنیت
مادر بزرگ رو هم در نظر نگرفت،
چه گستاخ و بی عقل!

پدر...


مادربزرگ

اینجوری نیست! من از قصد
نمیخواستم که به مامان بزرگ آسیبی
بزنم. همش تقصیر اون هرزس...



حرفای منو منتقل کنین،
مو-ار قدردان و با احساسه.
از امروز به بعد،

مقرری ماهانش به اندازه بانوی
چهارم افزایش پیدا میکنه، اون باید
همچنین همون احترام و رفتاری رو دریافت
کنه که بانوی چهارم دریافت میکنه!



سر خدمتکار جین یو و چند نفر
دیگه رو بفرستین که بهش خدمت کنن.
ازین به بعد نباید بهش قلدری بشه یا
بهش به چشم حقارت نگاه بشه!

بانوی چهارم ناسپاس و سرکش عه، از امروز به بعد
باید توی اتاقش بمونه و از کتابا رونویسی کنه، تنها
درس بخونه و رفتارش رو تهذیب و پاک کنه و
مطابق اخلاق رفتار کنه.

**بدون اجازه من اجازه
نداره اتاقشو ترک کنه!**



حق حق حق...

چرا باید اینکارو کنیم؟

پرا اون هرزه توی یه وضعیت
برابر با من قرار میگیره؟؟!!




چطور پدر و مادر بزرگ با من
اینجوری رفتار می کنن و مجبورم
کردن یه شب کامل زانو بزدم؟

م: نمیخوام بهت مشاوره بدم، ولی واقعا تو دیگه گند
زدی! کدوم احمقی با شلاق حمله می کنه سمت
مامان بزرگش؟ مغزت توش چییه؟

مواظب نبودم.



اگه میدونستم اینجوری
دردسر میشه، اون دختر رو
میفرستادم بیرون عمارت.

A woman with long black hair, wearing a light blue and white traditional Chinese dress with gold jewelry, is shown in a room with a window and a wooden table. A speech bubble is positioned to her right.

درسته، متوجه نشدیم که
اون عوض شده.

الان شده نورچشمی پدر و
مامان بزرگ. بر خلاف قبل، الان دیگه
سرو کله زدن باهاش سخت شده.

وقتی برای خواهر شوانگ اون شب پاپوش
دوخته شد، من هونگ جین رو فرستادم تا مو
رو دنبال کنه، ولی هونگ جین هرگز برنگشت.

بدنش امروز پیدا شد.

مایه تاسفه که هیچ مدرکی
نبود که ثابت کنه این قضیه به
شیلیانگ مو ربط داره.

پدر دوست نداره که به خاطر
یه خدمتکار صحنه بزرگی درست کنه و
همه جا جار بزنه. ما فقط می تونیم این
مسئله رو حل نشده باقی بذاریم.

اون هرزه به هرزگی مادر هرزشه که چپ و
راست مردم رو اغوا می کرد!

ما زندش گذاشتیم که به جای مادرش
زجر بکشه. ولی چطور جرات می کنه که
نامزدان-ار رو اغوا کنه!

مادر...

دان-ار، نگران نباش.



اونقدر مادر هرزشو زجر دادم که
مثل یه سگ داره زندگی میکنم. اونم
مثل ننش میفرستم جهنم.



QQ交流1群: 683270749

QQ交流2群: 881648492

QQ交流3群: 882783942



微博: 乖小兽漫画

想和本座共浴吗?

收藏, 月票, 评论, 都上供吧,

关注微博和粉丝群, 还有更多福~利~呢

